



محاكمه رضاخان روشنفکران پیرامون او

موضوع اتهام: تغییر لباس ملی ایرانیان

www.ketab.ir



مؤسسه فرهنگی هنری قندر ولایت

عنوان و نام پدیدآور	: محاکمه رضاشاه و روشنفکران پیرامون او موضوع اتهام: تغییر لباس ملی ایران/ان/تالیف گروه تحقیق
مشخصات نشر	: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
مشخصات ظاهری	: تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۹.
شابک	: ۳۲۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-964-495-636-2: ۰۰۰۰۰۰: شابک
پادداشت	: فیا
پادداشت	: عنوان دیگر: محاکمه رضاشاه و روشنفکران پیرامون او.
عنوان دیگر	: کتابخانه: ص. [۳۲۳] - ۳۲۶.
موضوع	: محاکمه رضاشاه و روشنفکران پیرامون او.
موضوع	: رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۵۷ - ۱۳۲۳. - محاکمه، دعوی و غیره
موضوع	: Reza Pahlavi, King of Iran, 1878 - 1944 -- Trials, litigation, etc.
موضوع	: پوشاک -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
موضوع	: Clothing and dress -- Iran -- History -- 1925 - 1941
شماره افزوده	: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. گروه تحقیق
شماره افزوده	: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
رده بندی کنگره	: DSR1۳۸۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲
شماره کاتالوگ ملی	: ۷۳۶۹۰۵۰
وضعیت رکورد	: فیا



محاکمه رضاشاه و روشنفکران پیرامون او

تألیف: گروه تحقیق موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: چهارم ۱۴۰۲ / شمارگان: ۲۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان / لیتوگرافی: سحر / چاپ و صحافی: قدر ولایت (دیجیتال)

طرح جلد: امیر خلیلی فرد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۶۳۶-۲

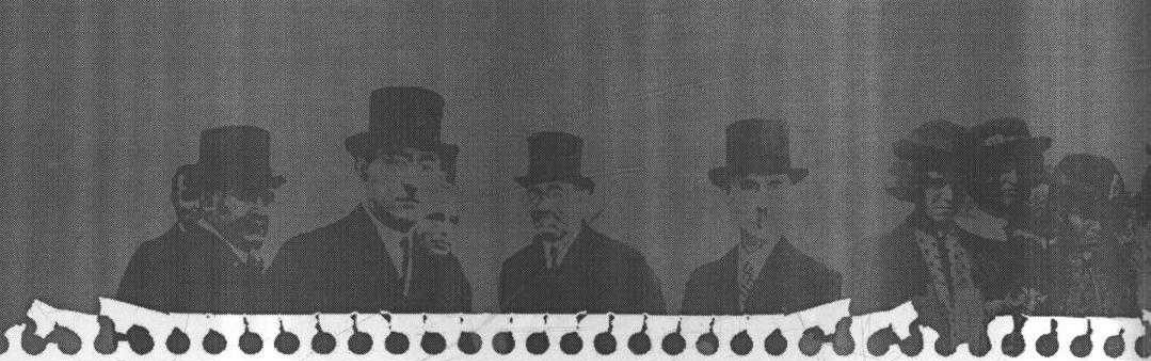
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و پخش: خیابان پاستور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۹۷۰۲۰۵ نامبر: ۶۶۹۷۰۲۰۵

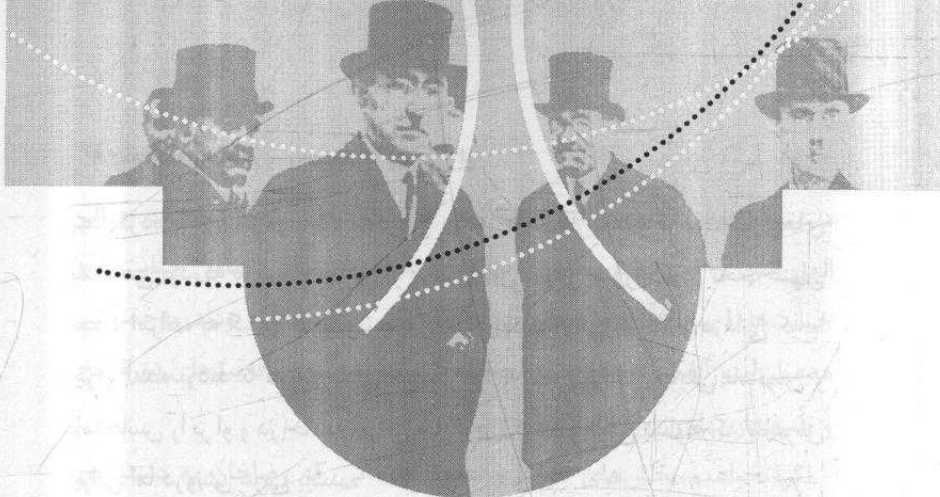
نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است



فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۷	جلسه اول دادگاه
۵۵	جلسه دوم دادگاه
۵۷	جلسه سوم دادگاه
۹۱	جلسه چهارم دادگاه
۱۲۳	جلسه پنجم دادگاه
۱۴۷	جلسه ششم دادگاه
۱۷۳	جلسه هفتم دادگاه
۲۰۱	جلسه هشتم دادگاه
۲۳۵	جلسه نهم دادگاه
۲۵۳	جلسه دهم دادگاه
۲۷۳	جلسه یازدهم دادگاه
۳۱۱	جلسه دوازدهم دادگاه
۳۲۳	منابع و مأخذ:



پیشگفتار

بعد از تبعید رضاشاه از ایران در شهریور ۱۳۲۰، احساسات سرکوب شده و مظلومیت‌های مردمی به انحاء مختلف فوران نمود. محجّه شدن تعداد زیادی از بانوان که در اجبار خشونت‌بار رضاخان، بی‌حجاب شده بودند، افزوده شدن حضور و آمدن بانوان محجّه در معابر که به‌خاطر اجبار بی‌حجابی در منزل ماندگار و خودزندانی شده بودند، شکایات فراوان به دستگاه دادگستری از بابت زمین‌های به اجبار غصب شده و املاکی که یا پول آنها پرداخت نشده بود و یا به قیمت بسیار نازل آنها را تملک کرده بودند، شکایات زندانیان سیاسی که عمری را در سیاهچال‌های زندان نظمیه (شهربانی) بی‌هیچ جرم و خطائی گذرانده بودند، فریادرس طلبیدن آنهایی که پدران یا برادران یا شوهرانشان بی‌هیچ نشانی مفقودالامر معرفی شده و یا در زندان‌های شهربانی کشته و به شهادت رسیده بودند، مراجعت و طلب حق کردن کسانی که دورانی را کوتاه یا بلند مدت در تبعید به سر برده‌اند و از تمامی حقوق و حتی حق شهروندی محروم شده بودند و ... مظلومیت‌هایی بود که با فرار شاه دیکتاتور و مستبد، سر بلند کرده و جامعه‌ای را که در دوره اشغال توسط فاتحان جنگ جهانی دوم، متأثر از حضور آنان بود، به‌تدریج متوجه خسارت‌هایی می‌کرد که سال‌ها به‌خاطر سانسور شدید و تسلط رعب‌انگیز نظمیه از آنها بی‌خبر بودند.

جراید و روزنامه‌ها از این آه و ناله‌ها پُر بودند. در مجلس شورای ملی، زبان بعضی نمایندگان به گفتن برخی حقایق باز شد و جرئت نقد دیکتاتور را

پیدا کرده بودند. هر چه بود سخن از پلشتی‌ها، حقارت‌ها و فرصت‌سوزی‌های پادشاهی بود که با کمک جمعی از غرب‌زدگان مدعی منورالفکری تحت عنوان تجدد آمرانه، به کشور قالب و تحمیل شده بود. دروغی بزرگ از دزدانی که با چراغ آمده بودند تا هویت ملتی مسلمان را به تاراج برند و هویتی نامأنوس و نامتجانس را بر او و در جامعه ایرانی جایگزین کنند. فسیلی بسازند که ظاهرش ایرانی اما درونش غربی باشد.

فشارها که بالا رفت و خواسته‌ها که افزون شد، شاه جوان، چاره‌ای ندید که اجازه دهد ولو به صورت نمایشی و سطحی، دادگاهی برای محاکمه چند تن از عوامل مانده از خیل جنایتکاران همکار دیکتاتور برپا شود بلکه مسکنی باشد بر آلام مظلومان و بعد که تجربه آموخت و جای پای خود را محکم کرد و دولت‌های بیگانه همراهش شدند، چکمه‌های پدر را بپوشد و این بار در قالب مخوف‌ترین و رسواترین دستگاه اطلاعاتی یعنی ساواک، جنایت‌های پدر را تکرار و بلکه روی او را منعکس کنند.

دادگاهی که در ابتدای سال ۱۳۲۱ تشکیل شد تا ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۲ ادامه یافت. در این دادگاه فقط تنی چند از دستیاران قاتل، محاکمه شدند. کسانی چون پزشک احمدی، سرپاس مختار و چند زبالبان، تمامی دارایی و خروجی دادگاه دیوان کیفری و دیوان جنایی، یک اعدامی که پزشک احمدی بود و چند حکم زندان برای بقیه، به‌عنوان پرده آخر این نمایش بود. برای سرپاس مختاری رئیس نظمیه رضاخان ۱۰ سال حبس صادر شد که پس از ۵ سال مورد عفو محمد رضا شاه قرار گرفت و آزاد شد! احکام سبک و صوری برای قتل‌های بزرگ چون شهید سیدحسن مدرس، فرخی یزدی، تقی آرانی، جعفرقلی خان سردار اسعد بختیاری، نصرت‌الدوله فیروز، غلامحسین تیمورتاش، اسدی نایب‌التولیه، و ده‌ها قتل و جنایت که مخفی ماند و صاحبانشان نه صدایی داشتند و نه عنوانی که در تاریخ بماند.

سرحلقه تمامی این جنایت‌ها و ده‌ها اقدام جنایت‌آمیز، در تبعیدگاه از

دست مکافات دنیایی در امان ماند و در غربت و بیچارگی - که عذاب بزرگ الهی است - به ضحنه محاسبه حق تعالی شتافت تا تقاص تمامی جنایات و خیانت‌ها را پس بدهد؛ و کسانی که به‌گونه‌ای او را یاری داده بودند، به‌خصوص مدعیان منورالفکری به‌پای میز محاکمه کشیده نشدند تا واقعیت‌های دوره تلخ و تأسفبار پهلوی اول کاملاً روشن شود.

اگر بخواهیم بخش‌های اصلی و عمده اقداماتی که رضاخان به دستکاری منورالفکران به زیان کشور و ملت انجام داد و برای آنها باید از او حساب‌کشی کنیم را بیان کنیم به فهرستی طولانی دست می‌یابیم که چند مورد آن را ذکر می‌کنیم:

۱- رضاخان بایستی حقایق کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را بازگو کند و به‌خاطر قول و قرارهایی که با یک کشور بیگانه و اشغالگر و چپاولگر گذاشته بود، محاکمه شود. او باید پاسخ بدهد که جایگاه بهائیان علی‌الخصوص عین‌الملک هویدا در شناسایی و معرفی او چه بوده است؟ و او اساساً چه ارتباطی با این فرقه دست‌ساز بیگانگان داشته که او را برای کودتا به انگلیس و عامل اینتلیجنس سرویس یعنی اردشیر ریپورتر معرفی کرده‌اند؟ آیا درست است که طبق قول یکی از مبلغان بهائی به نام مسیح‌الله روحانی، او یک بهائی واقعی بوده که بهائی بودنش را مخفی کرده است؟^۱ هوری کارشناس وزارت امور خارجه آمریکا که او نیز به ارادت رضاخان به بهائیان و به درجات عالی رساندن بهائی‌ها در ارتش اعتراف کرده، درست گفته است؟^۲ رضاخان بایستی از کمیته آهن یا زرگنده وابسته به انگلیس و همکاری آنها با خودش بگوید.

رضاخان باید پاسخ بدهد که با کمک این تشکیلات و اشخاص بهائی و انگلیسی و جاسوس‌ها، چه اقداماتی علیه امنیت ملی کرده است؟ او باید از منافع که برای انگلیس در قبال حمایت‌های او ایجاد و دنبال کرده بگوید. او

۱ - بهائیت، به روایت تاریخ، بهرام افراسیابی، پرستش، تهران، ص ۲۲۰

۲ - از قاجار به پهلوی، ترجمه جمعی از مترجمان، محمدقلی مجد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۵۲۵

باید روشن کند که چرا علی‌رغم نظرات کارشناسان ایرانی و آمریکایی خط‌آهن را به‌جای شرق به غرب، از جنوب به شمال کشیده و جابه‌جایی نیروهای انگلیس را تسهیل و امنیت را برای آنها برقرار ساخته است؟ او باید چرایی آتش زدن قرارداد نفت داری و تمدید یکباره آن به مدت ۶۰ سال دیگر - درحالی‌که ۳۰ سال آن باقی مانده بود - باشد؟

۲- رضاخان بایستی در پیشگاه ملت بزرگ ایران از اقدامات جایزکارانه خود علیه میهن‌پرستان و اجنبی‌ستیزانی چون میرزا کوچک‌خان جنگلی، میرزا محمدتقی‌خان پسیان و شیخ محمد خیابانی بگوید. دو سر بریده میرزا کوچک‌خان جنگلی و پسیان برای امن کردن ایران در قبال منافع بیگانگان، کم جرمی نیست. او بایستی پاسخگوی این معامله بزرگ دوره خود با انگلیسی‌ها باشد. اقداماتی که بوی خیانت به منافع ملی را می‌داد. اقداماتی که انگلیسی‌ها در انجام آن زمین‌گیر شده و در پی کسی بودند که راهشان را هموار و این موانع را برطرف کند. رضاخان بایستی پاسخگوی سرکوب لرها و بختیاری‌ها و عشایری باشد که به بهانه‌های مختلف به قتل و غارت آنها پرداخت و این نیروهای ضدیگانه را از سر راه منافع انگلیسی‌ها کنار زد؟

۳- رضاخان و تیم همراه او به‌خصوص منورالفکران بایستی پاسخ دهند که چرا و با چه توجیهی اقدام به تغییر سبک زندگی مردم خود کردند و سبک زندگی غربی را که بیگانه با مفاخر و عقاید و حیثیت آنان بود، آن هم به‌صورت سطحی و به تعبیری لاله‌زاری به مردم تحمیل کردند؟ چرا تغییر لباس را در دستور کار خود قرار دادند؟ چرا با حجاب که آئین و سنت ایرانی و اسلامی بود با خشن‌ترین وجه برخورد کردند و مرتکب اهانت‌ها، جسارت‌ها و جنایت‌های بی‌شماری در حق مردم و از جمله آستان مقدس ثامن‌الحجج شدند؟ دستور از کجا بود و پیامدهای این توهین بزرگ به هویت ملی اسلامی مردم چه حاصلی داشت؟ خدشه‌دار کردن هویت تاریخی یک ملت و قطع عقبه افتخارآمیز، انگیزه‌بخش دینی، جنایت کوچکی نیست که رضاخان و عوامل او مرتکب

شدند. پیامدهای این اقدام خشونت‌بار بسی بزرگ است، به گونه‌ای که هنوز ملت هزینه‌های آن را در رفتارهای اجتماعی و غرب‌زدگی گروه‌هایی از مردم و مسئولین می‌پردازد. تغییر کلاه چه تأثیری در پیشرفت کشور داشت؟ تغییر لباس به نیم‌تنه چقدر می‌توانست ملت ما را در میان ملت‌های پیشرفته، جلو ببرد و ممتاز کند؟ چرا برای اقدام تغییر لباس، صدها انسان بی‌گناه در مسجد گوهرشاد در حرم حضرت رضاع(ع) به مسلسل بسته شدند و زنده و شهید آنها را در گورهای جمعی مخفی دفن کرد؟

۴- رضاخان و همکاران او بایستی پاسخ بدهند که چرا و به چه جرمی، روحانیت و حوزه‌های علمیه را در شدیدترین محدودیت‌ها و تحریم‌ها قرار دادند تا از نفوذ آنها بکاهند و بلکه آنان را به کلی منزوی سازند؟ این طرح و برنامه از کجا به او القاء شده بود؟ محدود کردن لباس روحانیت، کوتاه کردن دست آنان از عدلیه و فرماندهی مظلومان، قدغن کردن روضه‌خوانی و عزاداری سیدالشهداء(ع)، دایر کردن سازمان‌های موازی برای بی‌رونی کردن حوزه‌ها و ایجاد روحانی‌نماها، گرفتن اوقاف و امور خیریه از دست علماء و محبوس و تبعید نمودن معترضین از علما و مجتهدین، که حلقه‌های یک زنجیر بودند، چگونه و چرا اجراء شد؟ ضرب و شتم روحانی سالک و آمر به معروف، بحمدالله محمدتقی بافقی، تبعید و مسموم نمودن آیت‌الله آقا زاده، تبعید جمعی از علمای تبریز از جمله آیت‌الله انگجی و نیز علمای مشهور چون آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی، تبعید و شهادت وحشیانه آیت‌الله سیدحسن مدرس، جرائمی پاک‌نشدنی است که او و همکارانش در حق ملت ایران و اسلام و روحانیت مرتکب شدند و باید پاسخگوی آنها باشند.

۵- در باب غصب اموال و املاک مردم سخن بسیار است و اعترافات گسترده‌ای حتی از سوی منابع خارجی در خصوص ثروت کلان شاه و اطرافیان او علی‌الخصوص امرای ارتش و همچنین املاک غصب‌شده انجام گردیده است. دزد بزرگ به جای دزد کوچک و ازدهای سیری‌ناپذیر از جمله لقب‌هایی است

که به او داده‌اند. رضاشاه همه این اموال و املاک را هنگام فرار به فرزندش محمدرضا واگذار کرد اما آیا نایبستی پاسخگوی خانواده‌ها و کسانی باشد که از رهگذر لذت سیری‌ناپذیر او در پول و ملک، به خاک سیاه نشستند یا عزیزانشان را در سیاهچال‌ها از دست دادند که چرا در برابر خواست شاه مستبد مقاومت می‌کنند و املاک خود را به تاراج نمی‌دهند؟ کتاب‌های پژوهشگران پُر است از اینگونه دزدی‌های رضاخان و صورت اموال و املاک او، و چرا نایبستی او به عنوان راهنم بزرگ پاسخگوی این اعمال غیرانسانی خود باشد؟

۶- قانون‌گزینی و قانون‌شکنی از همه بد است، اما از شاه مملکت که قسم به اجرای قانون اساسی خورده است، بدتر می‌باشد. رضاشاه برخلاف قانون اساسی، همه وزراء را، آلت دست خود ساخته و خودمحور و همه‌کاره کشور شده بود و در عین حال به هیچ مرجعی خود را پاسخگو نمی‌دانست. چرا رضاخان مجلس را طویل خطاب می‌کرد و در انتخابات دخالت تام و گسترده می‌کرد؟ چرا رضاخان خود می‌برد و خود می‌دوخت و خود تصویب می‌کرد و اجرای آن را طلب می‌کرد؟ هم قانونگذار بود و هم مجری و بقیه کارگر و بله‌قربان‌گو؟ به نخست‌وزیران امر می‌کرد استعفا کنید، امر می‌کرد نخست‌وزیر باشید، به وزراء امر می‌کرد چه چیزی امضاء کنند و چه چیزی را بخواهند و به عوامل خود می‌گفت چه طرحی را در مجلس رأی بدهند و چه لایحه‌ای را رد کنند! شاه مشروطه مجاز به این دخالت‌ها نبود و او با قلدری و استبداد، هر چه خواست انجام داد و چرا نایبستی در محکمه‌های عادلانه پاسخگوی این بی‌قانونی خود باشد؟ آیا برای فرضاً پیشرفت یا تجدد یا هر اسمی که گذاشته بودند، نایبستی قانون اساسی و مجلس و اختیارات وزراء همه شکسته می‌شد و فقط رأی شاه که خود را هم‌ردیف خدا کرده بود، «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» اجرا می‌شد؟

فرار از کشور و عدم مقاومت در برابر متجاوزان در جنگ جهانی دوم به قیمت جانشینی فرزندش و رها کردن مردم در چنگال ارتش دشمن، به قتل

رساندن و زندانی و تبعید کردن ده‌ها مبارز و شخصیت و هزاران انسان بی‌گناه، برپایی بیدادگاه‌های ارتش و محاکمه‌ صوری مخالفان، و ده‌ها اقدام خباثت‌آمیز و مشمئزکننده که می‌توانند به‌عنوان «اتهام» علیه او و چندتن از همکاران و منورالفرکان شاخص او مطرح شوند.

چنین دادگاه‌هایی در این دنیا برگزار نشد. و ما به‌صورت فرضی و بر مبنای روش‌ها و نحوهٔ برگزاری دادگاه ۱۳۲۲، اقدام به برگزاری دادگاهی کردیم که از میان همهٔ جرائم ذکر شده و ناشده، تنها به جرم «تغییر لباس ملی ایرانیان» و کشف حجاب رسیدگی و حکم صادر می‌کند.

اینکه چرا این جرم را به‌عنوان اتهام او و حلقهٔ روشنفکری پیرامونش انتخاب کردیم؟ چند دلیل برای انتخاب این موضوع و اتهام وجود دارد:

اول اینکه: این موضوع در هویت ملی - اسلامی ایرانیان و سبک زندگی آنها، که پایه و اساس استقلال است، تأثیر بسیار درازمدت و ویرانگر داشته است و شعاع آن تمامی امور زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران را فراگرفته است. چنانچه امروز هم اسفکار جهانی که عبارتست از آمریکا و کشورهای اروپایی، با صدور و تحمیل فرهنگ ضد دینی و سرمایه‌داری محض خود، تلاش می‌کنند همچنان حوزهٔ نرم زندگی عمومی کشورهای جهان سومی، به‌ویژه اسلامی و علی‌الخصوص جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهند و به تبع آن همهٔ امور کشور را در دست خود بگیرند.

دوم اینکه: در این موضوع، طیف گسترده‌ای از عناصر مدعی روشنفکری و خدمتگزاری فرهنگی درگیر و دست‌اندرکار بوده‌اند و با محاکمهٔ رضاشاه، پای این عوامل نیز به دادگاه برای پاسخگویی و روشن شدن ابعاد این موضوع، باز می‌شود که شده است. برای درک بهتر چرایی اقدامات رضاشاه در موضوع تغییر لباس ملی ایرانیان، ضرورتاً بایستی عناصری چون محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، سیدحسن تقی‌زاده، علی‌اصغر حکمت و... تلقینات و اقدامات خود را توضیح دهند و در برابر پرسش‌های افکار عمومی که در دادگاه مطرح

می‌شود قرار بگیرند و نقش آنها در این اقدامات مشخص گردد.

سوم اینکه: در طرح این موضوع به‌طور طبیعی برخی دیگر از اقدامات رضاشاه و یارانش بیان می‌شود و خواننده ولو به‌طور اجمال، با دیگر اعمال آنان آشنا می‌شود. مواردی چون برخورد با علما و تبعید یا قتل آنان، اعدام محمدولی اسدی نایب‌التولیه آستان قدس، قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، ضدیت با اسلام و احکام الهی و ... از جمله این اقدامات هستند که در ذیل رسیدگی به‌عنوان اتهامی انتخاب شده، مطرح گردیده‌اند.

چهارم: وجود شاکیان فراوان از اقشار مختلف از علما و روحانیت تا مردم و بازماندگان مقتولین، دایره این موضوع را گسترده‌تر و ندای مظلومیت جمع‌کنی از مردم را در دادگاه منعکس می‌نماید.

تذکر دیگری که لازم است در پیشگفتار به آن اشاره شود، سبک نوشتاری است که انتخاب شده است. این کتاب، نه کتاب داستان به مفهوم مطلق آن است و نه رمان - آن‌چنان‌که می‌شناسیم - و نه یک پژوهش صرف، بلکه فضای اتفاق یعنی دادگاه و گفت‌وگو با هم و با مجموعه دادگاه فرضی است ولیکن گفتمان‌ها کاملاً مستند است که در باور قیاس‌انداز آن ذکر شده است و آنچه در داخل گیومه « » آمده، در واقع عین جملات و گفتمانی است که در اسناد آمده است. تلاش شده است محتوا و برخی از متن گفتمان‌ها و اتفاقات این دادگاه از قول روزنامه‌نگار جوانی که در جلسات حضور دارد نقل شود و علت انتخاب روزنامه اطلاعات نیز در متن کتاب ذکر شده است.

ترکیب هر سه روش نوشتاری در این محاکمه فرضی، اگرچه غیرمعمول باشد، اما ضرورت داشت. چرا که انتقال چنین حجمی از مطالب درخصوص موضوعی فراگیر و مهم به‌صورتی که اعتماد مخاطب را جلب و جای هرگونه شبهه و تردید را بگیرد، ایجاب می‌کرد که از این روش استفاده شود. این سبک نگارش با عنوان «مستند داستانی» شناخته می‌شود.

از دوستان و اساتیدی که این کتاب را قبل از انتشار مطالعه کرده و با

جلسه اول دادگاه / ۱۵

نظرات ارزشمند خود در تکمیل و رفع کاستی‌ها و کمبودهای آن کوشیده‌اند،
سپاسگزاریم. امید است این اثر در صدمین سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۳۹۹
رضاخان، بتواند در تنویر افکار عمومی و به‌ویژه جوانان و دانشجویان، مؤثر افتد.
ان شاء الله.

مؤسسه فرهنگی و هنری قدرولایت

www.ketab.ir